کندوکاو در دل گفت‌وگوی چندساعته سرمربی تیم ملی

فوتبال است دیگر!

آریا طاری

امیر قلعه‌نویی برای اولین بار پس از حذف تیم ملی در مرحله نیمه‌نهایی جام ملت‌های ۲۰۲۳ آسیا، در تلویزیون حاضر شد تا به سوال‌های پرشمار مردم در خصوص تیم ملی پاسخ بدهد. او مثل همیشه در دقایقی کاملا از کوره در رفت و در دقایقی نیز آرام به نظر می‌رسید. مرد اول نیمکت تیم ملی در مورد مسائل مختلفی توضیح داد و البته بخشی از توضیح‌های او در این برنامه قابل قبول به نظر نمی‌رسید. به هر حال او برای حداقل دو سال دیگر سرمربی تیم ملی است و این بار باید بتواند شرایط مطلوب‌تری را در این تیم به وجود بیاورد. اگر فرمول امیر همین فرمول جام ملت‌ها باشد، شانس زیادی برای موفقیت این چهره در تیم ملی وجود نخواهد داشت.

احمد نبود، متضرر نشدیم!

یکی از اولین سوال‌هایی که امیر قلعه‌نویی با آن روبه‌رو شد، ماجرای کنار گذاشتن احمد نوراللهی از تیم ملی بود. خود امیر هم البته تاکید داشت که این یک تصمیم فنی نبوده و احمد به خاطر ترک اردوی تیم، کنار گذاشته شده است. او دست روی این نکته گذاشت که نوراللهی می‌توانست به تیم ملی کمک کند اما به شکل صریحی هم اعلام کرد که نبودن احمد باعث متضرر شدن تیم ملی نشده است. این در حالی است که گزینه‌های کناری سعید عزت‌اللهی در این جام، تورنمنت فوق‌العاده‌ای را سپری نکردند و یا اینکه حداقل در بخشی از بازی‌ها، در اوج آمادگی قرار نداشتند. حالا باید دید آینده نوراللهی در این تیم چطور رقم می‌خورد. خود این بازیکن نشان داده که علاقه زیادی برای بازگشت به تیم ملی و بازی زیر نظر قلعه‌نویی ندارد. این اتفاق هنوز هم دور از ذهن به نظر می‌رسد و باید دید دو طرف سرانجام چه تصمیمی برای خودشان می‌گیرند. با این حال در این که تیم ملی برای آینده به یک هافبک تخریب‌کننده مثل نوراللهی در زمین نیاز دارد، شکی وجود نخواهد داشت.

شانس و آمار، توهم‌هایی از یک واقعیت

امیر قلعه‌نویی در جریان این گفت‌وگو، بارها به مساله شانس اشاره کرد و تیم ملی را در جام ملت‌ها بدشانس دانست. البته که تیم ملی در این جام خوش‌شانس نبود اما انتظار می‌رود فردی که در جایگاه سرمربیگری تیم ملی ایران نشسته، از تکیه کردن به چنین مفهومی دست بکشد و روی خود فوتبال متمرکز شود. امیر ظاهرا در این دوران، علاقه زیادی به آمار پیدا کرده و به شکلی باورنکردنی، مدام از آمارهای مختلف برای اثبات برتری تیم ملی استفاده می‌کند. او حتی در یک اظهارنظر عجیب، ایران را به لحاظ ساختار دفاعی دومین تیم برتر جام دانست. با این وجود آمار واقعی، چنین ادعاهایی را رد می‌کنند. ایران در مسابقه با قطر چیزی حدود ۶۰ درصد مالکیت توپ داشت اما این ۶۰ درصد به چه دردی می‌خورد وقتی تنها به ۳۴۰ پاس ختم شده است؟ اصلا برتری ایران در مالکیت به چه کار می‌آید وقتی در همین بازی قطری‌ها هشت ضربه درون چارچوب داشتند و سهم تیم ملی ایران پنج ضربه بود؟ ایران به لحاظ دفاعی، وضعیت مطلوبی نداشت و روی هر حمله تیم‌های رقیب، بسیار آسیب‌پذیر نشان می‌داد.

مصدومیت همیشه اتفاقی نیست!

ماجرای دیگری که در این رقابت به ضرر تیم ملی ایران تمام شد، مصدومیت چند ستاره مهم تیم بود. نفراتی مثل صادق محرمی و مجید حسینی در طول جام مصدوم شدند و قبل از تورنمنت نیز مرتضی پورعلی‌گنجی آسیب دیده بود. با این حال همه آسیب‌دیدگی‌ها را هم نباید به چیزهایی مثل اتفاق ربط داد. برای مثال مجید حسینی در ماه‌های منتهی به جام ملت‌ها، چند بار آسیب دیده بود و به لحاظ بدنی فرم خوبی نداشت. سوال بزرگ اینجاست که چرا کادر فنی تیم ملی مصدومیت احتمالی این بازیکن در جام ملت‌ها را پیش‌بینی نکرد و برای این اتفاق، هیچ برنامه‌ای در ذهن نداشت؟ ایران می‌توانست با دست پر به سراغ خط دفاعی برود و حداقل نفراتی مثل امین حزباوی را با خودش راهی قطر کند. اتفاقی که رخ نداد تا دست‌ژنرال در قلب دفاع تیم ملی خالی باشد.

جملاتی برای نپذیرفتن

جملاتی شبیه «فوتباله دیگه» یا «فوتبال چرا ندارد»، از آن دست جملاتی هستند که هرگز نباید مورد استفاده یک مربی در سطح بالا قرار بگیرند. اگر قرار است همه چیز را به تقدیر و اتفاق ربط بدهیم، دیگر اصلا چرا سرمربی در فوتبال وجود دارد؟ اگر همه چیز را اتفاق تعیین می‌کند، پس بهتر است ۱۱ بازیکن را بدون هیچ نقشه‌ای به زمین بفرستیم و امیدوار باشیم که آن اتفاق به سود تیم ملی ایران رقم بخورد. این جملات به هیچ‌وجه از سوی سرمربی تیم ملی ایران، پذیرفتنی نیستند. ایران نباید در دام چنین جمله‌هایی بیفتد و باید هرچه سریع‌تر، روند متفاوتی را آغاز کند. تکیه دادن به جملاتی نظیر این، فقط شانس آینده تیم ملی را برای موفقیت کمرنگ خواهد کرد. امیر قلعه‌نویی در همین برنامه هم مثل قبل، از هواداران تیم ملی عذرخواهی کرد اما در عین حال، بسیاری از انتقادها را نپذیرفت. در حقیقت به نظر می‌رسید عذرخواهی او، بیشتر یک مساله ظاهری بوده و عمق چندانی نداشته است. اگر قرار به عذرخواهی واقعی باشد، مردم باید تغییرات را در تیم ملی درک کنند و ببینند. وگرنه در کلام که همه می‌توانند به ساده‌ترین شکل ممکن به سراغ عذرخواهی بروند. به نظر می‌رسد سرمربی تیم ملی هنوز برخی از ضعف‌های این تیم را قبول ندارد و هنوز به مرحله پذیرفتن همه انتقادها نرسیده است.

از دقیقه ۸۰ زیر توپ زدیم!

یکی دیگر از ادعاهای عجیب امیر قلعه‌نویی، زیر توپ زدن تیم ملی روبه‌روی قطر بعد از دقیقه ۸۰ بود. او در این گفت‌وگو مدعی شد که تیم ملی فقط در ۱۰ دقیقه پایانی نبرد با قطر، زیر توپ زده است. با این وجود یک مرور ساده از آن بازی نشان می‌دهد که تیم ملی از همان دقایق ابتدایی نبرد با حریف زیر توپ زده و اساسا روش بازی مستقیم را برای این بازی انتخاب کرده است. به هر دلیلی، استراتژی بازی تیم ملی در این نبرد جواب نداده است. پس شاید بهتر باشد سرمربی هم به جای بهانه آوردن و دلیل تراشیدن، بپذیرد که شرایطی آرمانی نداشته و تیمش در این رقابت با فرم مطلوب ظاهر نشده است. شاید این مقدمه‌ای برای رقم خوردن اتفاق بهتر در تیم ملی باشد.

امیر قلعه‌نویی در این گفت‌وگو به دفاع از عملکرد دستیارانش پرداخت اما اولین پالس‌های ایجاد تغییر در کادر فنی را نیز ارسال کرد. او رسما از افشین قطبی خواست تا در کادر فنی تیم ملی به این مربی ملحق شود

۳۰ بازیکن جوان در تیم ملی

یکی دیگر از برنامه‌های جدی قلعه‌نویی برای آینده تیم ملی، دعوت از ۳۰ بازیکن جوان به اردوی بعدی است. او به گفته خودش فهرست ۳۰ بازیکن زیر ۲۳ را برای حضور در اردوی فروردین ماه در اختیار دارد و می‌خواهد در مسابقه بعدی مقدماتی جام جهانی، این نفرات را به زمین مسابقه بفرستد. هواداران تیم ملی انتظار دارند این جوانگرایی از مرحله حرف، به مرحله عمل برسد. چرا که میانگین سنی بالای تیم ملی در بسیاری از نبردها، این تیم را به درسر انداخته است. نفراتی مثل حاج‌صفی و کریم انصاری‌فرد دیگر هیچ دلیلی برای ماندن در فهرست‌های تیم ملی ایران ندارند. ایران در جام ملت‌های آسیا فقط دو بازیکن زیر ۲۳ سال داشت که روی هم صفر دقیقه بازی کردند! این، فاصله معناداری با جوانگرایی را در تیم ملی نشان می‌دهد.

مهدی و مهدی، دو تئوری خاص!

«مهدی قایدی یک بازیکن ۱۷ ساله نیست. او قبل از من در تیم ملی چه کار کرده است؟». این توجیه امیر قلعه‌نویی درباره بازی ندادن قایدی در دور حذفی بود. او خودش را اولین کسی می‌دانست که در لباس تیم ملی، نقشی جدی برای قایدی در نظر گرفته اما چون این بازیکن روبه‌روی سوریه از نظر بدنی خوب نبوده، او را از ترکیب اصلی بازی‌های بعدی کنار گذاشته است. قلعه‌نویی البته نباید یک حقیقت مهم را انکار کند؛ اینکه قایدی با توجه به سبک بازی‌اش، طبیعتا نمی‌توانست برای تیم کی‌روش به میدان برود. این خود ژنرال بود که دائما روی مساله فوتبال هجومی تاکید داشت و در این مورد شعار می‌داد. پس اصلا عجیب نبود که بازیکنی مثل قایدی با خصوصیات روبه‌جلو و تکنیک نابش برای تیم ملی ایران به میدان برود. آن چه عجیب به نظر می‌رسید، کنار رفتن این بازیکن از تورنمنت بود. امیر در همین برنامه، از بازی مهدی طارمی روبه‌روی قطر نیز انتقاد کرد و تاکید داشت که مهدی در آن مسابقه اصلا خوب نبوده است. حالا سوال اینجاست که اگر طارمی تا این اندازه بدبازی کرده، چرا در جریان این بازی تعویض نشده است؟ آیا بهتر نبود قلعه‌نویی به جای انتقاد تلویزیونی از طارمی، او را روبه‌روی قطر از زمین مسابقه بیرون می‌کشید؟

امپراتور در کنار ژنرال

امیر قلعه‌نویی در این گفت‌وگو به دفاع از عملکرد دستیارانش پرداخت اما اولین پالس‌های ایجاد تغییر در کادر فنی را نیز ارسال کرد. او رسما از افشین قطبی خواست تا در کادر فنی تیم ملی به این مربی ملحق شود. قطبی چند روز قبل از بازی بزرگ با قطر، در یک ارتباط اینترنتی با همین برنامه برای تیم ملی آرزوی موفقیت کرد و از دلتنگی‌اش برای فوتبال ایران صحبت به میان آورد. البته که این دو مربی از قبل هم در ارتباط بودند و حتی قطبی گزینه ژنرال برای هدایت تیم ملی امید به شمار می‌رفت. حالا باید دید که واکنش قطبی به این تصمیم چه خواهد بود. آیا مردی که خودش زمانی نفر اول کادر فنی تیم ملی بوده و با این تیم به جام ملت‌ها رفته، حاضر می‌شود به عنوان نفر دوم روی نیمکت تیم ملی حضور پیدا کند؟ شاید او با نقشی فراتر از یک دستیار، مساله نظارت روی تیم‌های رده‌های سنی مختلف را نیز قبول کند. این مربی تا اینجا هیچ پاسخی به این پیشنهاد نداده است.

جملاتی شبیه «فوتباله دیگه» یا «فوتبال چرا ندارد»، از آن دست جملاتی هستند که هرگز نباید مورد استفاده یک مربی در سطح بالا قرار بگیرند. اگر قرار است همه چیز را به تقدیر و اتفاق ربط بدهیم، دیگر اصلا چرا سرمربی در فوتبال وجود دارد؟

دسترنج

تحلیل یک مقام کارفرمایی از گمانه‌زنی درباره سرانجام تصمیمات شورای عالی کار

مخالفت کارفرمایان با افزایش منطقی مزد کارگران، دروغ است

اسفند ماه فصل تعیین حقوق و دستمزد کارگران است. به سنت مالوف همیشگی، روزهای پایانی سال مذاکرات فشرده‌ای برای تعیین حقوق مشاغل کارگری آغاز می‌شود و همه چشم انتظار باقی می‌مانند که رقم اصلی افزایش حقوق و دستمزد، توسط شورای عالی کار اعلام شود. اگرچه در زمان چانه‌زنی در رابطه با لایحه بودجه ۱۴۰۳، با توجه به پیشنهاد افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت در این لایحه، همه گمان می‌کردند حقوق کارگران هم در همین محدوده افزایش خواهد یافت اما تغییرات لایحه بودجه، کارگران را به افزایش بیشتر حقوق پایه‌شان امیدوار کرد.

کمیسیون تلفیق در بهمن ماه تصمیم گرفت حقوق پایه کارکنان دولت به میزانی بیش از آنچه در لایحه بودجه پیشنهاد شده بود، افزایش یابد. بر اساس لایحه اولیه دولت قرار بود در سال ۱۴۰۳ حقوق کارکنان دولتی به‌طور متوسط حدود ۱۸ درصد افزایش یابد اما «حمید حاجی بابایی» رئیس کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۳ ضمن تشریح آخرین مصوبات این کمیسیون اعلام کرد: مجلس و دولت توافق کردند حقوق سال آینده کارمندانی که زیر ۲۰ میلیون تومان دریافت می‌کنند افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی داشته باشد.

مدتی بعد در کمیسیون تلفیق بودجه متوسط افزایش متوسط ۲۰ درصدی حقوق کارمندان تصویب شد. در آخرین تغییرات و مصوبات کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۳، برای کارکنانی که در سال جاری بین هشت تا ۲۰ میلیون تومان دریافتی دارند، عملا افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی در نظر گرفته شد. این مصوبه به مفهوم افزایش بیشتر حقوق حداقل‌بگیران دولتی نسبت به متوسط در نظر گرفته شده برای سایر کارکنان دولت بود.

شانس استخدامی بیشتر، باعث جذابیت مهاجرت می‌شود. این وسط خیلی حقوق برای افراد جذابیت ندارد که فرد زادگاهش را ترک کند و به جایی برود که دستمزدش هم شاید پاسخگو نباشد

مصوبه یادشده همان چراغ سبزی بود که مجلس پیش روی شورای عالی کار گذاشت تا افزایش حقوق قشر کارگری نیز که عموما کمتر از حقوق کارمندان است، متناسب با نرخ تورم افزایش یابد اما آیا کارفرمایان بخش صنعت کشش این افزایش حقوق را دارند؟

کارفرمایان مخالف افزایش حقوق نیستند

«آرمان خالقی»، عضو هیات مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت ایران در گفت‌وگو با اقتصاد آنلاین در این باره می‌گوید: کارفرمایان مخالف افزایش حقوق نیستند زیرا تبعات عدم افزایش دستمزد، مستقیم به بخش تولید بازمی‌گردد.

وی افزود: همه فعالان بخش تولید و کارفرمایان متوجه تورمی که پشت سر می‌گذاریم و شرایطی که در آن زندگی می‌کنیم، هستند و می‌دانند که حقوق دریافتی کارگران، کفاف زندگی را نمی‌کند. قاعدتا وقتی با تورم بالای ۳۵ درصد در کشور مواجهیم، اگر افزایش حقوق کارگر را روی ۱۵ درصد ببندیم، توان خرید این قشر کاهش پیدا می‌کند و این مسأله برای بخش تولید تبعاتی دارد.

خالقی گفت: با افزایش نامتناسب دستمزد، رضایت شغلی کاهش می‌یابد. انگیزه کارگران افت کرده و یک‌سری مشکلات ایجاد می‌شود که به زیان خود تولیدکننده است. در چنین شرایطی، خسارت‌های ناشی از کار و ضایعات افزایش می‌یابد. کارگری که پشت دستگاه به فکر خانواده‌اش باشد، حواسش جمع نیست و ممکن است دچار آسیب شود و سوانح کار افزایش یابد. اصولا در چنین روندی بهره‌وری بخش تولید کاهش می‌یابد.

او ادامه می‌دهد: تبعات منفی دیگر افزایش حداقلی دستمزد کارگر هم به کاهش قدرت خرید بازمی‌گردد. جامعه کارگری مشتری بخشی از محصولات حوزه تولید است و اگر قدرت خرید کم شود، تبعات و آثار منفی‌اش گریبان خود تولیدکننده را می‌گیرد.

عضو هیات مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت ایران یادآور شد: جامعه کارفرمایی به دنبال این نیست که حقوق کارگر افزایش نیابد یا کم افزایش یابد بلکه به دنبال افزایش منطقی حقوق است؛ به میزانی که قدرت خرید کارگران حفظ شود و امورات‌شان بگذرد.

او تاکید کرد: فکر نمی‌کنم جامعه کارفرمایی مخالفتی با افزایش مزد ۳۰ تا ۳۵ درصدی داشته باشد. اصولا کارفرما این افزایش را می‌پذیرد. دو سال قبل هم افزایش ۵۷ درصدی را پذیرفتند. البته افزایش دستمزدها مشکلات دارد و کارفرما باید بتواند آخر ماه این مزد را تامین کند.

دولت مایل به افزایش دستمزد کارگران نیست

خالقی به این پرسش که با توجه به رکود حاکم در اقتصاد ایران آیا کارفرمایان قادر به پرداخت حقوق و دستمزد با افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی هستند یا خیر، این گونه پاسخ داد: در جلسات مزد، دولت یک سمت می‌نشیند و نمایندگان کارگری و کارفرمایی سمت دیگر هستند و یک سه‌جانبه‌گرایی اتفاق می‌افتد.

او افزود: در این جلسات بحث‌ها به نحوی پیش می‌رود که برآیندش حداقل به زیان هیچ یک از بخش‌ها نباشد و همه، بخشی از موضوع را بپذیرند.

عضو هیات مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت ایران بیان کرد: تجربه نشان می‌دهد که دولت خیلی مایل نیست که مزد کارگران بالا برود زیرا این مسأله می‌تواند نارضایتی بین حقوق‌بگیران دولت ایجاد کند. وقتی حقوق کارگران بیشتر از کارمندان باشد، نارضایتی در میان کارکنان دولت رخ می‌دهد بنابراین نمایندگان دولت می‌خواهند تصمیمی که گرفته می‌شود درصدی که مصوب می‌شود، تفاوت معناداری با درصد افزایش حقوق کارکنان دولت نداشته باشد.

او اضافه می‌کند: با تمام بحث‌هایی که روی سبد معیشتی، سرانه معیشت، مزد منطقه‌ای و... مطرح می‌شود، در نهایت یک تصمیم واحد بر مبنای تورم رسمی اعلامی بانک مرکزی گرفته می‌شود.

خالقی گفت: عموما دستمزد با یک نوسان کمتر یا بیشتر از نرخ تورم تعیین می‌شود. تولیدکننده هم به تبع آن افزایش قیمت خواهد داشت و نمی‌تواند خودش این مزد را بدهد. باید کارکنند و این رقم را پرداخت کند، پس روی قیمت کالاها می‌گذارد و نرخ‌ها را افزایش می‌دهد.

دنبال کردن مزد منطقه‌ای در جلسه شورای عالی کار

گفته می‌شود که نمایندگان دولت و بخش کارفرمایی در جلسات شورای عالی کار به دنبال اجرای قانون منطقه‌ای کردن دستمزدها هستند. «علیرضا میرغفاری» نماینده کارگران در شورای عالی کار با اشاره به برگزاری جلسه این شورا در روز سی‌ام بهمن ماه، دستور این جلسه را اصلاح آیین‌نامه انتخاب اعضای هیات‌های تشخیص و حل اختلاف و گزارش کمیته مزد اعلام کرد.

او ادامه داد: کمیته مزد در چند جلسه قبلی بحث مزد منطقه‌ای را دنبال کرد. مزد سال ۱۴۰۳ براساس مزد حداقلی و سراسری تعیین خواهد شد و چنانچه مقرر شود فراتر از مزد حداقلی، مزد منطقه‌ای نیز تعیین کنیم، منوط به تصمیم شورای عالی کار است. بدون لحاظ کردن فرمول یا معیار خاص در این زمینه باید براساس ساختار چانه‌زنی برای هر منطقه عددی تعیین و تصویب شود.

میرغفاری افزود: در سومین نشست کمیته مزد، تصویب مزد منطقه‌ای از حوزه اختیارات این کمیته خارج شد. مطابق با دستور جلسه قبلی شورای عالی کار، بنا شد بحث کارشناسی موضوع مزد منطقه‌ای بررسی شود و در نشست آخر کمیته مزد ایرادات و ابهامات آن مطرح و موافقان و مخالفان نظرات خود را بیان کنند.

او افزود: در نهایت کمیته مزد جمع‌بندی خود را به شورای عالی کار ارائه می‌دهد تا در نشست آتی شورا، در خصوص مزد منطقه‌ای تصمیم‌گیری شود، بنابراین مسئولیت بررسی مزد منطقه‌ای در اختیار شورای عالی کار قرار گرفته است.

منطقه‌ای کردن دستمزد، شاید وقتی دیگر

اگرچه بنا بر اعلام نماینده کارگری در شورای عالی کار، تصمیم‌سازی درباره منطقه‌ای شدن دستمزد به عهده شورای عالی کار است و هنوز پرونده این پیشنهاد روی میز قرار دارد اما خالقی در این رابطه گفت: خیلی از این بحث استقبال نشد. اتاق بازرگانی کار تحقیقاتی مفصلی در این رابطه انجام داده و بررسی کرده که مزد منطقه‌ای چه آثاری دارد.

او ادامه داد: انجمن کارفرمایی و تشکل‌های کارگری هم روی این موضوع کار کرده‌اند. در یک ماه پیش رو، بعید می‌دانم که این بحث به نتیجه برسد زیرا اراده چندانی هم برای اجرای آن نمی‌بینیم.

عضو هیات مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت ایران افزود: اجرای مزد منطقه‌ای، شدنی است اما باید تبعات آن را ببینیم. پیشنهادات این حوزه هنوز از نظر کارشناسی کاملا پخته نشده است.

او بیان کرد: مدافعان مزد منطقه‌ای می‌گویند در شهر تهران هزینه‌های زندگی بالاتر است، بنابراین مزد باید بیشتر افزایش یابد و در منطقه‌ای که دورافتاده‌تر است، هزینه زندگی شامل اجاره مسکن و ایاب و ذهاب کمتر است، پس افزایش مزد را مقداری کمتر بگیریم.

جامعه کارفرمایی به دنبال این نیست که حقوق کارگر افزایش نیابد یا کم افزایش یابد، بلکه به دنبال افزایش منطقی حقوق است؛ به میزانی که قدرت خرید کارگران حفظ شود و امورات‌شان بگذرد

خالقی اضافه کرد: حتی پرداخت مزدها به صورت استانی پیشنهاد شد ولی در حقیقت می‌دانید که در استان مثلا کرمان، شهرهای برخوردار شامل کرمان، شهر بابک و امثالهم دستمزدهای بالایی دارند و خرج زندگی هم در این مناطق بالاست، در حالی که در شهرهای دیگر این استان، هزینه‌ها این گونه نیست. پس نمی‌توانید کل استان کرمان را به یک شکل ببینید.

او افزود: بنابراین وقتی در کرمان حقوق همه را با یک درصد مشابه افزایش می‌دهید، قاعدتا آنهایی که در شهر کوچکتر زندگی می‌کنند، راضی‌تر هستند و آنهایی که در شهر بزرگ کار می‌کنند، ناراضی‌تر هستند.

عضو هیات مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت ایران گفت: بعضا می‌گویند اگر در تهران مزد را افزایش دهیم، ممکن است از شهرهای کوچک به تهران مهاجرت کنند در صورتی که این هم نمی‌تواند واقعیت داشته باشد چون هزینه‌های زنگی در تهران بالاتر است و حضور در این شهر خیلی جذابیت ندارد.

او یادآور شد: چیزی که برای مهاجرت جذابیت ایجاد می‌کند، اصل وجود فرصت‌های شغلی است. در مناطق محروم و دورافتاده ممکن است کار کم باشد و در تهران و مراکز استان، کار بیشتر باشد. پس شانس استخدامی بیشتر، باعث جذابیت می‌شود که افراد مهاجرت کنند. در این وسط خیلی حقوق برای افراد جذابیت ندارد که فرد زادگاهش را ترک کند و به جایی برود که دستمزدش هم شاید پاسخگو نباشد.

خالقی بیان کرد: اجرای این طرح هنوز زود است و باید درباره‌اش بحث کرد. شاید سال آینده به شرط اینکه در مهر و آبان به تدریج که موضوعات مزد مطرح می‌شود، این پرونده را هم روی میز بگذارند تا درباره‌اش بحث شود بتوانیم مزد منطقه‌ای را اجرایی کنیم.

او گفت: اما معمولا وقتی پرونده مزد منطقه‌ای باز می‌شود، بحث به درازا می‌کشد و قبل از نهایی شدن این بحث، بانز دیک شدن به ایام تعیین دستمزد این پرونده را می‌بندند و به بحث روی موضوع میزان تورم بازمی‌گردند.